

## فدرالیسم متزلزل: سیستم قدیمی و ناکارآمد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا\*

ترجمه: مزدک نصوری<sup>۱</sup>، محسن استوار<sup>۲</sup>

### چکیده

با بررسی سیستم انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا، این نکته آشکار می‌شود که ماهیت نظری و عملی دموکراسی در این کشور متفاوت از دموکراسی‌های اروپایی می‌باشد. اگرچه ریاست جمهوری قدرتمندترین منصب در ایالات متحده است اما دولت فدرال نقش کمتری در انتخابات ریاست جمهوری ایفا می‌کند. تأمل در مورد بنیان اصول فدرالیستی کشور آمریکا نشان می‌دهد که مداخله دولت فدرال در سیستم انتخابات ریاست جمهوری تا حد زیادی محدود به حمایت از حقوق رأی دهندگان و کنترل جمع‌آوری کمک‌های مالی در انتخابات می‌باشد. هدف این پژوهش، استناد به نظریه‌ها و یافته‌های مختلف است تا نشان دهد که نظام انتخاباتی ایالات متحده آمریکا در برخی مواضع مانند سیستم کنترل کالج دارای نواقصی می‌باشد که نقشی تعیین‌کننده بر اصول دموکراتیک بودن انتخابات این کشور خواهد داشت، اما می‌توان با الگوبرداری از اندیشه‌های ترقی‌خواهانه حقوق‌دانان و سیاستمداران آمریکایی، سازوکارهایی مبتنی بر دموکراسی مدرن را جهت زدودن موانع و اصلاح ساختار انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ارائه نمود.

واژگان کلیدی: کنترل کالج، دولت فدرالی، دموکراسی مدرن، ریاست جمهوری آمریکا، نظام انتخاباتی آمریکا

\* Anthony J. Gaughan (2016). "Ramshackle Federalism: America's Archaic and Dysfunctional Presidential Election System", Fordham Law Review Journal, Volume 85. Issue 3. Available at: <https://ir.lawnet.fordham.edu/flr/vol85/iss3/4/>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی‌ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی m.nasouri@mail.sbu.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی‌ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی

**مقدمه**

اگرچه ریاست جمهوری قدرتمندترین منصب در ایالات متحده است، دولت فدرال نقش کمی را در انتخابات ریاست جمهوری ایفا می‌کند. تأمل در مورد اساس اصول فدرالیستی کشور نشان می‌دهد که مداخله دولت فدرال در سیستم انتخابات ریاست جمهوری تا حد زیادی محدود به حمایت از حقوق رأی دهندگان و کنترل جمع‌آوری کمک‌های مالی در انتخابات می‌باشد. در بسیاری از جنبه‌های مهم دیگر، سیستم انتخابات تا حد زیادی غیرمتمرکز شده است. بطور منحصر به فرد، در میان دموکراسی‌های بزرگ، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در بیش از ۱۳۰۰۰ ایالت و حوزه‌های قضایی محلی برگزار می‌شود. این حوزه‌های قضایی، دارای قوانین متفاوتی در نوع رأی‌گیری و شمارش مجدد آراء هستند. مهمتر از همه این است که رئیس‌جمهور فقط توسط آراء مردم کل کشور انتخاب نمی‌شود بلکه فرمول پیچیده الکترونیکی نیز در انتخاب او موثر است که تأکید آن بر پیروزی در ایالات و نه دریافت آرای کل مردم کشور آمریکا می‌باشد.

ماهیت به شدت غیرمتمرکز سیستم انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ممکن است پیروزی فدرالیسم را منعکس کند، اما نسخه‌ای نمادین و متزلزل از فدرالیسم می‌باشد. حقیقت ناراحت کننده این است که ایالات متحده برای انتخاب قدرتمندترین رهبر جهان بر شیوه‌ای قدیمی و ناکارآمد از انتخابات متکی است. اگرچه در افکار عمومی مردم آمریکا قانون از جایگاه مقدسی برخوردار است اما سند تأسیس دولت، خود بخشی از مشکل است. اصل دوم قانون اساسی، قانون ضد دموکراتیک الکترونیکی کالج را برای انتخاب رئیس‌جمهور ایجاد کرده است. از سال ۱۷۸۹، چهار کاندیدای ریاست جمهوری علی‌رغم از دست دادن آرای مردمی، انتخابات را پیروز شدند و هفت کاندیدای دیگر در آستانه پیروزی در انتخابات با آرای الکترونیکی بودند. حتی در انتخابات عادی، الکترونیکی کالج نمی‌تواند دلیل فدرالی قدرت بخشیدن به ایالات را تقویت کند. هر چهار سال، این قانون میان ۴۰ ایالت و با تمرکز بر تنها ۱۰ ایالت، در انتخابات ریاست جمهوری میان ایالات تبعیض قائل می‌شود. ماهیت منسوخ الکترونیکی کالج تنها بخشی از مشکلات سیستم انتخابات این کشور است. بعنوان مثال، محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی ایالات در کمپین‌های انتخاباتی فدرال باعث شده است که به نظر برسد نامزدها برای یک منصب محلی و نه رهبری یک کشور ۳۲۰ میلیون نفری رقابت می‌کنند. تصمیم اعضای دیوان عالی ایالات متحده علیه تصمیم کمیته انتخابات فدرال، با فراهم کردن امکان جمع‌آوری کمک‌های مالی برای گروه‌های خارجی در کمپین‌های انتخاباتی باعث ایجاد مشکلات پیچیده‌ای شد. حتی روسای جمهور وقت نیز که درصدد انتخاب مجدد هستند باید وابسته به کمک‌های مالی کمیته‌های فعالیت‌های سیاسی باشند. ماهیت پیچیده، متزلزل و غیرمتمرکز سیستم انتخابات ریاست جمهوری مشکل‌ساز است و موجب می‌شود

که کشور قادر به حل مشاجرات به شیوه‌ای عادلانه و صحیح نباشد. به علاوه، علیرغم هشدارهای فراوان، دولت نتوانست برای مشکلات بالقوه انتخابات مانند تروریسم، حملات سایبری و حوادث طبیعی به خوبی برنامه‌ریزی نماید.

ما می‌توانیم و باید بهتر عمل کنیم. بر این اساس، این مقاله پنج مورد از اصلاحات منطقی و قابل انجام را برای مدرن‌سازی سیستم انتخابات ریاست جمهوری پیشنهاد می‌کند. هریک از این پیشنهادها مستلزم نقش فعال کنگره و دولت فدرال در سیستم انتخابات ریاست جمهوری می‌باشند. قانون اساسی ممکن است براساس اصول فدرالیستی پایه‌گذاری شود، اما غیرمتمرکز بودن بیش از حد در اجرای انتخابات ریاست جمهوری به ما کمکی نمی‌کند. در عصر تغییرات سریع و پراشوب، سیستم انتخابات ریاست جمهوری باید برای تأمین نیازهای قرن بیست و یکم کشور آمریکا مدرنیته شود.

### ۱- سیستم قدیمی و ناکارآمد انتخابات ریاست جمهوری

سیستم انتخابات آمریکا در چهار بخش مهم نتوانسته است همگام با عصر مدرن عمل نماید: (۱) تأمین مالی مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری، (۲) روش انتخاب رئیس جمهور، (۳) اجرای انتخابات، (۴) مدیریت برنامه-<sup>۹</sup> ریزی اضطراری. این سیستم متزلزل و منسوخ، جایگاه ایالات متحده را بعنوان یکی از دموکراسی‌های مهم دنیا تضعیف می‌کند.

#### ۱-۱- سیستم مالی ناکارآمد کارزار انتخابات ریاست جمهوری

مشکلات مربوط به سیستم انتخابات ریاست جمهوری با قانون مرتبط به کمک‌های مالی کمپین‌های انتخاباتی دولت فدرال آغاز می‌شود. اگرچه دیدگاه مردم و رسانه‌ها این است که سیستم انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا نوعی پولشویی است اما این نیمی از حقیقت می‌باشد. در پرونده ۱۹۷۶ باکلی علیه والثو<sup>۱</sup>، دیوان عالی، قانونی بودن محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی را تأیید کرد اما آن را بعنوان نقض اولین اصلاحیه حقوق شهروندان دانست. در نتیجه، ایالات متحده یکی از معدود دموکراسی‌های پیشرفته جهان است که برای نامزدهای ریاست جمهوری محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی قرار داده است اما نظارتی بر کل هزینه‌ها ندارد (Alec, 2009: 8).

<sup>۱</sup> Buckley v. Valeo

تمرکز قانونگذاران آمریکایی بر محدودیت بالای جمع‌آوری کمک‌های مالی موجب ایجاد رسوایی واترگیت<sup>۱</sup> در دهه ۱۹۷۰ شد. در پاسخ به رسوایی مالی دولت نیکسون<sup>۲</sup>، کنگره محدودیت مالی ۱۰۰۰ دلاری را برای نامزدهای دولت فدرال قرار داد و این قانون بعنوان بخشی از اصلاحیه سال ۱۹۷۴ بر قوانین مبارزات انتخاباتی دولت فدرال شناخته شد. در اصلاحات قانونی کمپین‌های انتخاباتی دو حزب در سال ۲۰۰۳، کنگره سقف جمع‌آوری کمک‌های مالی را به ۲۰۰۰ دلار افزایش داد و دلیل آن را تورم دانست. در چرخه انتخاباتی سال ۲۰۱۵-۲۰۱۶، محدودیت مشارکت مالی فدرال برای هر فرد برابر با ۲۷۰۰ دلار در هر انتخابات بود.

سطح فوق‌العاده پایین محدودیت‌های جمع‌آوری کمک‌های مالی دولت فدرال، زمان مقایسه با مبالغ هنگفتی که صرف فعالیت‌های فدرال می‌شود به خصوص در مبارزات انتخابات ریاست جمهوری، مشخص می‌گردد. در سال ۲۰۱۲، هزینه‌های انتخابات دولت فدرال به بیش از ۷ میلیارد دلار رسید. با در نظر گرفتن تورم، هزینه‌های مبارزات انتخاباتی فدرال در سال ۲۰۰۸ چهار برابر سال ۱۹۷۲ بود و هزینه‌ها همچنان روبه افزایش است. بین سال‌های ۱۹۸۴ و ۲۰۱۲، هزینه‌های کمپین‌های فدرال ۵۵۵ درصد افزایش یافته است که سرعت افزایش آن از سرعت افزایش هزینه‌های مربوط به مراقبت‌های بهداشت و سلامت بیشتر است. افزایش سریع هزینه‌های مبارزات انتخاباتی بیانگر این واقعیت اجتناب‌ناپذیر است که هزینه‌های تبلیغات سیاسی، کارکنان کمپین‌ها و سفرهای ایالتی در یک کشور ۳۲۰ میلیون نفری بطور فزاینده‌ای گران شده است (Martha, 2012: 105).

ترکیب محدودیت‌های زیاد در جمع‌آوری کمک‌های مالی و عدم نظارت مالی موجب صرف هزینه‌های فزاینده-ای توسط کاندیداهای ریاست جمهوری این کشور نسبت به سایر دموکراسی‌های بزرگ غربی در جهان شده است. چالش هولناک جمع‌آوری کمک‌های مالی برای کمپین‌های انتخاباتی موجب می‌شود که بسیاری از نامزدهای شایسته از حضور در انتخابات محروم بمانند. کمپین سال ۲۰۱۶ نیز از این قاعده مستثنی نبود. در سال ۲۰۱۵، کمپین انتخاباتی ریاست جمهوری هیلاری کلینتون<sup>۳</sup> بالغ بر ۱۱۲ میلیون دلار هزینه کرد که بالاترین رقم در میان کاندیداهای ریاست جمهوری دموکرات‌ها در سال پیش از انتخابات بود. جمع‌آوری بالای کمک‌های مالی توسط کلینتون عامل مهمی در تصمیم معاون رئیس جمهور جوزف بایدن<sup>۴</sup> بر عدم شرکت در انتخابات بود.

<sup>1</sup> Watergate

<sup>2</sup> Nixon

<sup>3</sup> Hillary Clinton

<sup>4</sup> Joseph Biden

در میان جمهوری خواهان، عدم موفقیت جب بوش<sup>۱</sup> در تبدیل ۱۳۰ میلیون دلار کمک‌های مالی او به پیروزی در انتخابات، از اهمیت جمع‌آوری کمک‌های مالی کم نمی‌کند. بخش عمده هزینه‌های بوش توسط کمیته فعالیت‌های سیاسی که می‌تواند کمک‌های مالی نامحدود دریافت کند، کنترل می‌شد و نه توسط کمپین انتخاباتی بوش که به مبلغ ۲۷۰۰ دلار محدود شده بود. کمیته فعالیت‌های سیاسی علاوه بر عدم سرمایه‌گذاری کافی برای بوش، به جای حمله به آخرین نامزد حزب جمهوری خواه یعنی دونالد ترامپ با تصمیمی پرسش‌برانگیز به سناتور فلوریدا و نامزد ریاست جمهوری حزب جمهوری خواه مارکو روبریو<sup>۲</sup> حمله کرد. زمانی که هنوز برای توقف حمایت سلبریتی‌های ایالات متحده در تلویزیون فرصت بود، کمیته انتخاباتی جب بوش برای تبلیغاتی پایدار علیه دونالد ترامپ از بودجه لازم برخوردار نبود. موفقیت ترامپ در انتخابات مقدماتی درون حزبی ریاست جمهوری، قدرت رسانه‌ای که توسط افراد مشهور اداره می‌شود را نشان داد. در واقع، براساس مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۶ انجام گرفت، وضعیت شهرت ترامپ و دسترسی بی‌نظیر او به رسانه‌های ملی موجب شد که او از تبلیغات رایگان بهره‌بردار، تبلیغاتی که برای یک نامزد ریاست جمهوری عادی بالغ بر ۲ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت.

مبالغ هنگفتی که یک نامزد غیرمشهور برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری به آن نیاز دارد، مبلغ ناچیز ۲۷۰۰ دلار که به هر کاندیدا اعطا می‌شود را زیر سوال می‌برد. در واقع، بطور نسبی محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی ۲۷۰۰ دلاری برای نامزدهای ریاست جمهوری، به مراتب پایین‌تر از محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی برای نامزدهای کنگره می‌باشد. حوزه‌های مجلس نمایندگان ایالات متحده متشکل از ۷۱۰۰۰۰ نفر می‌باشد و یک ایالت متوسط نزدیک به شش میلیون نفر جمعیت دارد. در مقابل، نامزدهای ریاست جمهوری در یک حوزه انتخابیه ۳۲۰ میلیون نفری رقابت می‌کنند، رقابتی که به میزان بیشتری هزینه نیاز دارد. در سال ۲۰۱۲، متوسط تبلیغات مجلس نمایندگان ۱/۵ میلیون دلار و میانگین تبلیغات سنا ۱۱ میلیون دلار بوده است، در حالیکه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲، باراک اوباما ۱/۱ میلیارد دلار و میت رامنی ۱/۲ میلیارد دلار هزینه کرده‌اند. با این حال، قانون کمپین‌های انتخاباتی فدرال مبنی بر ۲۷۰۰ دلار برای هر کاندید ریاست جمهوری و میزان بالای جمع‌آوری کمک‌های مالی نمایندگان کنگره هنوز پابرجاست (Tara, 2004: 74).

<sup>1</sup> Jeb Bush

<sup>2</sup> Marco Rubio

محدودیت‌های جمع‌آوری کمک‌های مالی در انتخابات ریاست جمهوری حتی بالاتر از محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی هر ایالت برای انتخابات فرمانداری می‌باشد. بعنوان مثال در ایالت کالیفرنیا<sup>۱</sup>، نامزدهای فرمانداری می‌توانند از هزینه‌های شخصی بالغ بر ۲۸۲۰۰ دلار استفاده کنند. این فقط مربوط به کالیفرنیا نیست، ۱۹ ایالت دیگر نیز محدودیت‌های مشارکت آنها برای انتخابات فرمانداری بالاتر از سطح تحمیل شده بر انتخابات ریاست جمهوری است. به علاوه، ۱۲ ایالت از جمله ایالت‌های بزرگ مانند تگزاس<sup>۲</sup> و ایالت‌های کوچک مانند آیووا<sup>۳</sup> هیچ محدودیتی برای جمع‌آوری کمک‌های مالی توسط کاندیداهای انتخابات فرمانداری و مجلس قائل نمی‌شوند. در نتیجه، در حالیکه یک کاندیدای ریاست جمهوری که در آیووا رقابت می‌کند به مبلغ ۲۷۰۰ دلار یا کمتر محدود می‌شود، کاندیدای انتخابات مجلس قانونگذاری ایالتی که در یک منطقه کوچک روستایی در آیووا رقابت می‌کند، کمک‌های مالی بیشتری دریافت می‌نماید. عدم وجود محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی در ایالت‌هایی همچون آیووا باعث می‌شود که فسادهای با مبالغ بالا رخ ندهد. بعنوان مثال، طبق مطالعه‌ای در یک مجله پژوهشی<sup>۴</sup> نشان داده شد که ایالت آیووا یکی از کم فسادترین ایالات در کل کشور آمریکا می‌باشد (Sam, 2014: 58).

دو تغییر در زمینه جمع‌آوری کمک مالی در انتخابات ریاست جمهوری موجب شده که محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی ۲۷۰۰ دلاری، نامناسب و منقضی جلوه کند. اولین تغییر سقوط سیستم بودجه عمومی ریاست جمهوری است. هنگامی که کنگره، اصلاحیه‌های قانون کمپین‌های انتخاباتی فدرال را در سال ۱۹۷۴ تصویب کرد، سعی داشت از طریق کمک مالی دولت فدرال به نامزدهای اصلی حزب به کاهش محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی نامزدهای ریاست جمهوری باری برساند. بودجه عمومی با پیچیدگی‌هایی همراه بود: کاندیداهایی که این کمک مالی را دریافت می‌کردند باید با قانون کلی محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی دولت فدرال موافقت می‌نمودند. اما در انتخابات سال ۲۰۰۸، باراک اوباما از دریافت این کمک خوددراي کرد. تصمیمی که ضربه مهلکی را به سیستم وارد کرد، چراکه باراک اوباما با عدم پذیرش این کمک مالی، مزیت‌های فراوانی را بدست آورد. جان مک کین<sup>۵</sup>، رقیب اوباما، برای دریافت این بودجه عمومی (کمک مالی دولت) با کاهش هزینه‌های خود به ۸۴ میلیون دلار موافقت نمود، تصمیمی که بر کمپین‌های انتخاباتی جمهوری خواهان تاثیر منفی گذاشت. اوباما در نهایت مبلغ ۳۳۷ میلیون دلار جمع‌آوری کرد، مبلغی که

<sup>1</sup> California

<sup>2</sup> Texas

<sup>3</sup> Iowa

<sup>4</sup> Public Administration Review paper

<sup>5</sup> John McCain

موجب شد از حاشیه چهار به یک و فراتر از مک کین قرار بگیرد. در یک نظرسنجی پس از انتخابات مشخص شد که ۶۴ درصد از رأی دهندگان، تبلیغات اوباما را به یاد داشتند درحالیکه تنها ۱۲ درصد از رأی دهندگان تبلیغات مک کین را به یاد داشته‌اند. موفقیت اوباما و رد بودجه عمومی توسط او موجب شد که نامزدهای بعدی نیز از این سیستم حمایت نکنند. نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری که برای پیروزی جدی هستند هیچ انتخابی به جزء تکیه بر وجوه خصوصی ندارند.

دومین پیشرفت مهم، تصمیم اعضای دیوان عالی آمریکا در سال ۲۰۱۰ می‌باشد. براساس این تصمیم و تصمیم بعدی مرتبط با آن توسط منطقه کلمبیا در پرونده‌ای علیه کمیته انتخابات دولت فدرال، گروه‌های مستقل می‌توانند از حق دریافت کمک‌های مالی بدون هیچ محدودیتی برخوردار شوند. اعضای دیوان عالی آمریکا باعث ایجاد کمیته‌های فعالیت‌های سیاسی خارج از گروه شدند. این گروه‌ها تا زمانی که با فعالیت‌های کمپین‌های انتخاباتی هماهنگ نبودند از قانون محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی دولت فدرال معاف بودند. اما شکست اعضای دیوان عالی در مجادله مربوط به پرونده شهروندان متحده<sup>۱</sup> باعث شد که دادگاه محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی در کمپین‌های انتخاباتی را کاهش ندهد. نتیجه این بود که کاندیداهای ریاست جمهوری با رقابتی ناسالم در جمع‌آوری کمک‌های مالی مواجه شدند. در واقع، تصمیم اعضای دیوان عالی نشان می‌دهد که چرا کمیته فعالیت‌های سیاسی جب بوش مبلغ ۷۰ میلیون دلار بیشتر از کمپین انتخاباتی او کمک مالی دریافت نمود (Richard, 2016: 91).

در نتیجه، حتی منتقدان نیز چاره‌ای جز پذیرش کمیته‌های فعالیت سیاسی ندارند. رئیس جمهور باراک اوباما در سخنرانی خود در ژانویه ۲۰۱۰، تصمیم اعضای دیوان عالی آمریکا مبنی بر مجوز دادن آنها به جریان کمک‌های مالی فراوان در کمپین‌های انتخاباتی آمریکا را محکوم کرد. با این حال، دو سال بعد، اوباما از ایجاد کمیته فعالیت سیاسی تحت عنوان اولویت‌های ایالات متحده آمریکا<sup>۲</sup> حمایت نمود. این واقعیت که حتی رئیس جمهور فعلی به کمیته‌های فعالیت سیاسی نیاز دارد نشان دهنده شکست قانون محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی فدرال و عدم هماهنگی آن با دنیای متغیر سرمایه‌گذاری‌های کمپین‌های انتخاباتی می‌باشد. فروپاشی سیستم بودجه عمومی و افزایش کمیته‌های فعالیت‌های سیاسی نشان دهنده منقضی بودن قانون محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی پس از اصلاحات واترگیت می‌باشد. اما شیوه انتخاب رئیس جمهور از آن هم قدیمی‌تر است (Robert, 2014: 71).

<sup>1</sup> Citizens United Case

<sup>2</sup> Priorities USA

## ۲-۱- الکتروال کالج

اگرچه رسانه‌ها میزان کمی از پوشش خبری خود را به نظرسنجی‌های ریاست جمهوری اختصاص می‌دهند، ایالات متحده رئیس‌جمهور خود را براساس رأی کل شهروندان انتخاب نمی‌کند. براساس الکتروال کالج، رئیس‌جمهور توسط پنج ایالت جداگانه به علاوه سه رأی الکتروال در منطقه کلمبیا انتخاب می‌شود. قانون ایالت گرای الکتروال کالج در مصالحه سیاسی کنوانسیون قانون اساسی در سال ۱۷۸۷ تصویب شد. اگرچه سیاستمداران غالباً به این موضوع می‌بالند که کشور براساس اصول دموکراتیک تأسیس شده است، واقعیت این است که قانونگذاران به دموکراسی مستقیم اعتماد نکرده‌اند و در عوض مفهوم جمهوری فدرال متشکل از ایالات مستقل را پذیرفته‌اند. الکتروال کالج هم دیدگاه قانونگذاران فدرالیست را برانگیخته و هم تصویب قانون اساسی را از طریق جلب حمایت ایالات بزرگ و کوچک و همچنین ایالات آزاد و برده‌دار را تسهیل کرده است. تا به امروز، یکی از اصلی‌ترین دفاع‌ها از الکتروال کالج این است که استفاده از سیستم انتخابات ریاست جمهوری ایالت محور، از دیدگاه فدرالیستی قانونگذاران حمایت می‌کند (Peter, 2009: 81).

اما اکنون زمان تغییر کرده است. در سال ۱۷۸۹، رئیس‌جمهور توسط کنفدراسیون ایالتی انتخاب می‌شد که حق رأی فقط به مردان سفید پوست صاحب ملک داده شده بود و از شهروندان انتظار می‌رفت که نسبت به ایالت قدرتمند و نه دولت فدرال ابراز وفاداری کنند. از طرفی در سال ۲۰۱۶، رئیس‌جمهور یک ابرقدرت جهانی را رهبری می‌کند که در آن علاقه اولیه شهروندان نسبت به ملت و نه نسبت به ایالت است. این تغییر ناشی از پیروزی شمال (ایالات شمالی) در جنگ داخلی بود و مشخص کرد که اقتدار ملی از حاکمیت مطلق دولت برتر است. بنابراین، با در نظر گرفتن کشور بعنوان یک کنفدراسیون صرف از ایالت‌ها، الکتروال کالج در انعکاس ملت منحصر به فردی که آمریکا به آن تبدیل شده است، موفق نبود.

همچنین الکتروال کالج با هنجارهای دموکراسی مدرن در تناقض است. امروزه ارزش‌های دموکراتیک و اصول برابری طلبانه نقش بسیار مهمتری در قانون اساسی آمریکا نسبت به دهه ۱۷۸۰ ایفا می‌کنند. همانطور که آخیل آمار<sup>۱</sup> متذکر شده است، قانون "هر شخص، یک رأی" که توسط دیوان عالی در سال ۱۹۶۴ در واکنش به پرونده رینولدز علیه سیمز<sup>۲</sup> تصویب شد، اجرای قانون اساسی در آمریکا را تغییر داد. در مقابل، الکتروال کالج اصل اساسی قانون دموکراسی مبتنی بر حکومت اکثریت را نقض می‌کند. قانونی که نتیجه دوره قدیم می‌باشد، این قانون به جای اینکه رأی تمام مردم آمریکا را در نظر بگیرد، کنترل انتخاب رئیس‌جمهور را برعهده ۵۳۸ رأی دهنده می‌سپارد. اگرچه، تقریباً بیش از نیمی از ایالات اساسنامه‌ای را مبنی بر هماهنگی

<sup>1</sup> Akhil Amar

<sup>2</sup> Reynolds v. Sims



رأی الکتروالها با رأی کل مردم تصویب کرده‌اند، بسیاری از محققان بر این باورند که قانون اساسی به الکتروالها قدرت می‌دهد تا به هر کسی که می‌خواهند رأی دهند، حتی اگر قانون ایالتی آنها را به هماهنگی با اراده رأی دهندگان هدایت کند. تاریخ نشان داده است که مشکل انتخاب کنندگان تک‌رو صرفاً حدس و گمان نیست. از سال ۱۷۸۹، چندین مورد وجود داشته است که در آن انتخاب کنندگان با رأی دادن به فردی که خواست کل مردم نبوده است از این قانون سرپیچی کرده‌اند. بنابراین، یک الکتروال تک‌رو می‌تواند نتیجه یک انتخابات نزدیک به هم را تغییر دهد، سناریویی که باعث ایجاد بحران برای قانون اساسی آمریکا می‌شود (Woodrow, 1908: 61).

در صورتی که هیچ کاندیدایی رأی اکثریت الکتروال را کسب نکند، قانون اساسی به مجلس نمایندگان دستور می‌دهد که رقابت ریاست جمهوری را با انتخابات مشروط تعیین کنند. اصلاحیه دوازدهم قانون اساسی مقرر می‌دارد که در انتخابات مشروط، هریک از نمایندگان مجلس بایستی با رأی منفرد، یکی را از بین سه الکتروال کالج برتر انتخاب نماید. رأی‌گیری تا زمانی که یک کاندیدا بیشترین رأی نمایندگان دولت را کسب کند ادامه می‌یابد. همانطور که جورج ادواردز<sup>۱</sup> اظهار کرده است، انتخابات مشروط در مجلس نمایانگر بزرگترین نقض اصول دموکراتیک در نظام سیاسی آمریکا می‌باشد، چراکه رأی هر ایالت بدون در نظر گرفتن جمعیت از ارزش یکسانی برخوردار است. بنابراین، در انتخابات مشروط، داکوتای شمالی<sup>۲</sup> ایالتی با ۷۵۶۰۰۰ نفر جمعیت، به همان اندازه کالیفرنیا با جمعیت ۳۹ میلیون نفری ارزش رأی دارد. بدتر از آن، اصلاحیه دوازدهم در مورد فرآیند رأی مجلس نمایندگان برای انتخاب رئیس جمهور بسیار مبهم می‌باشد تا جائیکه محققان به این اصلاحیه عنوان "بمب ساعتی" را داده‌اند (Anthony, 2011: 73).

احتمال برگزاری انتخابات مشروط در حال افزایش است. همانطور که کمپین‌های انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ نشان داد، مردم آمریکا عمیقاً از دو حزب سیاسی بزرگ کشور ناراضی هستند. نظرسنجی اخیر گالوپ<sup>۳</sup> نشان داد که احزاب جمهوری خواه و دموکرات در پایین‌ترین سطح خود قرار گرفته‌اند. نتایج نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو<sup>۴</sup> در سال ۲۰۱۵ نشان داد که ۳۹ درصد از آمریکایی‌ها مستقل از هرگونه حزبی هستند که بالاترین میزان در تاریخ نظرسنجی ۷۵ ساله می‌باشد. بنابراین، روند نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که

<sup>1</sup> George Edwards

<sup>2</sup> North Dakota

<sup>3</sup> Gallup (Management Consulting Company)

<sup>4</sup> Pew Research Center

نامزدهای حزب سوم می‌توانند عامل اصلی انتخابات آینده ریاست جمهوری باشند، این عامل سبب می‌شود که شانس تقسیم سه طرفه در آن وجود نداشته باشد و هیچ نامزدی نتواند ۲۷۰ رأی الکترا را دریافت نماید. الکترا کالج، حتی از نخستین روزهای تصویب خود، ضعیف عمل کرد. در سال ۱۸۰۰، توماس جفرسون<sup>۱</sup> و رقیبش آرون بور<sup>۲</sup> رأی یکسانی در الکترا کالج دریافت کردند، انتخابات را به مجلس نمایندگان واگذار نمودند و موجب یک بحران ملی شدند. تا ۷ فوریه ۱۸۰۱ و پس از سی و شش رأی‌گیری و دستورالعمل الکساندر همیلتون<sup>۳</sup> برای حمایت از جفرسون، این مشکل حل نشد. اگرچه، تصویب اصلاحیه دوازدهم در سال ۱۸۰۳ از ایجاد مجدد بن‌بست انتخاباتی در مورد جفرسون ممانعت کرد اما الکترا کالج به نتایج ضد متعارف خود ادامه می‌داد. جان کوینسی آدامز<sup>۴</sup> در سال ۱۸۲۴، رادرفورد هایس<sup>۵</sup> در سال ۱۸۷۶، بنیامین هریسون<sup>۶</sup> در سال ۱۸۸۸ و جورج بوش<sup>۷</sup> در سال ۲۰۰۰، همگی با بدست آوردن اکثریت رأی الکترا و نه رأی مردم به پیروزی رسیدند. به علاوه، در هفت انتخابات دیگر طی سال‌های ۱۸۳۶، ۱۸۵۶، ۱۸۶۰، ۱۹۴۸، ۱۹۶۰، ۱۹۶۸ و ۱۹۷۶ تغییر تنها چند هزار رأی موجب شد که انتخابات به مجلس نمایندگان کشیده شود (Judith, 201: 1971).

علیرغم ادعاهای مدافعان، الکترا کالج برای توسعه منافع فدرالیست اکثر ایالات، کار زیادی نکرده است. طعنه‌آمیز اینجاست که الکترا کالج باعث عدم ارتباط کل کشور در جریان انتخابات شده است، چراکه کاندیداها به ایالات آبی و قرمز توجهی ندارند و تمرکز خود را بر ایالات مهم و تعیین کننده همچون فلوریدا و اوهایو<sup>۸</sup> معطوف می‌کنند. از دهه ۱۸۳۰، تقریباً رأی الکترا تمام ایالات به جز مین<sup>۹</sup> و نبراسکا<sup>۱۰</sup> در انتخابات تعیین کننده شد. تعیین کننده بودن رأی الکترا باعث شد که چهل ایالت آمریکا به کاندیداهای حزب دموکرات و جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری رأی بدهند. در حالیکه هر ایالتی در انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری نقش دارد، در مورد انتخابات عمومی این اتفاق نمی‌افتد. بعنوان مثال، ایالت‌هایی مانند

<sup>1</sup> Thomas Jefferson

<sup>2</sup> Aaron Burr

<sup>3</sup> Alexander Hamilton

<sup>4</sup> John Quincy Adams

<sup>5</sup> Rutherford B. Hayes

<sup>6</sup> Benjamin Harrison

<sup>7</sup> George W. Bush

<sup>8</sup> Ohio

<sup>9</sup> Maine

<sup>10</sup> Nebraska

کالیفرنیا، نیویورک<sup>۱</sup>، آلاباما<sup>۲</sup>، میشیگان<sup>۳</sup>، تنسی<sup>۴</sup> و ایلینویز<sup>۵</sup> بطور مرتب توسط کاندیداهای ریاست جمهوری در انتخابات عمومی نادیده گرفته می‌شوند، چراکه هریک از این ایالات یا کاملاً جمهوری‌خواه هستند یا دموکرات. در نتیجه، ده ایالت مهم از جمله اوهایو، فلوریدا، ویرجینیا<sup>۶</sup> و آیووا در انتخابات اصلی مورد توجه انحصاری کاندیداهای ریاست جمهوری می‌باشند (Anthony, 2005: 84).

همچنین ایالات، فرمانداران خود را از طریق الکتروال کالج انتخاب نمی‌کنند. تمام پنجاه ایالت به دلایل مهمی فرمانداران خود را از طریق رأی مستقیم مردم انتخاب می‌نمایند. انتخاب یک مدیر اجرایی از طریق یک سیستم انتخاباتی منطقه‌ای روشی منسوخ است که هیچ حکومت عاقلی آن را انجام نمی‌دهد مگر اینکه به لحاظ قانون مستلزم انجام آن باشد.

در آخر، بهترین دفاع از الکتروال کالج توسط سناتور میچ مک کانل<sup>۷</sup> انجام شده است، او ادعا می‌کند که این قانون ما را از کابوس بازشماری رأی پنجاه ایالت در صورت آرای نزدیک، نجات می‌دهد. سخن مک کانل یک نکته مهم دارد. عملکرد نادرست فلوریدا در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ نشان داده است که بسیاری از ایالات در اجرای انتخابات ضعیف عمل می‌کنند. بنابراین، هرگونه تلاشی برای جایگزین کردن الکتروال کالج بایستی در ابتدا مشکلات مرتبط با اجرای انتخابات در ایالات را در نظر بگیرد (Akhil, 2006: 67).

### ۳-۱- اجرای ناکارآمد انتخابات

مشکل انتخابات غیرمتمرکز در بطن مشکل اجرای انتخابات نهفته است. همانطور که ناتانیل پرسلی<sup>۸</sup> اظهار کرده است، اولین ویژگی بارز سیستم انتخاباتی ایالات متحده که برای هر فردی قابل مشاهده است، غیرمتمرکز بودن شدید مسئولیت‌های اجرایی و سیاستگذاری‌ها می‌باشد. انتخابات ریاست جمهوری در ایالات مختلف با قوانین ثبت نامی متفاوت، شمارش آرای متفاوت، دستگاه‌های رأی‌گیری متفاوت و قوانین قدیمی رأی‌گیری و شمارش مجدد آراء انجام می‌شود. بسیاری از ایالات از دستگاه‌های فرسوده و فناوری‌های قدیمی

<sup>1</sup> New York

<sup>2</sup> Alabama

<sup>3</sup> Michigan

<sup>4</sup> Tennessee

<sup>5</sup> Illinois

<sup>6</sup> Virginia

<sup>7</sup> Mitch McConnell

<sup>8</sup> Nathaniel Persily

در رأی‌گیری استفاده می‌کنند. از همه مهم‌تر، ایالت‌ها مسئولیت قانونی خود را با محول کردن آن به شهرستان‌ها و شهرداری‌ها و تحت عنوان ابرفدرالیسم<sup>۱</sup>، رها کرده‌اند. اگرچه، در سال‌های اخیر پیشرفت‌هایی در این زمینه انجام گرفته است، اما از زمان بازشماری بحث‌برانگیز آراء در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ در فلوریدا، شیوه بی‌ثبات، متزلزل و بدون نظم برگزاری انتخابات فدرال توسط مقامات ایالتی و محلی به اندازه کافی بهبود پیدا نکرده است. حتی در ایالاتی همچون کالیفرنیا که به شناسه رأی‌گیری نیازی نیست و این رویه خیلی آسان برگزار می‌شود، استانداردهای رأی‌گیری خودسرانه، متناقض و غیرقابل پیش‌بینی وجود دارد. بعنوان مثال، در ژوئیه سال ۲۰۱۶، تحقیقات لس‌آنجلس تایمز<sup>۲</sup> نشان داد که قوانین کالیفرنیا برای رأی‌گیری مشروط است و بطور قابل توجهی از شهرستانی به شهرستان دیگر متفاوت می‌باشد (Alexander, 2000: 91).

اگرچه ایالات متحده در طول تاریخ بعنوان مهد دموکراسی مورد ستایش قرار گرفته است، غیرمتمرکز بودن گسترده فرآیند اجرای انتخابات آمریکا به نتایج سودمندی منجر نشده است. مطالعه‌ای در سال ۲۰۱۵ توسط پروژه یکپارچگی انتخاباتی<sup>۳</sup>، اجرای انتخابات سال ۲۰۱۲ ایالات متحده را رتبه‌بندی کرد. در میان کشورهای دموکراتیک غربی، ایالات متحده در انتخابات آن سال به ضعیف‌ترین شکل ممکن عمل کرد. این گزارش نتیجه‌گیری کرد که فرآیند انتخابات در آمریکا نسبت به سایر کشورهای جهان از جمله مکزیک<sup>۴</sup>، جمهوری چک<sup>۵</sup>، ژاپن<sup>۶</sup> و سیرالئون<sup>۷</sup> رتبه پایین‌تری را کسب کرده است. همانطوریکه پپانوریس<sup>۸</sup> اشاره کرده است، در میان تمام دموکراسی‌های توسعه‌یافته جهان، رقابت‌های انتخاباتی ایالات متحده در مقابل نقص‌ها و خطاهای ساده انسانی بسیار آسیب‌پذیر است و این مشکلات ناشی از غیرمتمرکز بودن شدید و حزبی بودن فرآیند اجرای انتخابات می‌باشد.

اداره حزبی انتخابات، یکپارچگی سیستم انتخابات را به شدت تضعیف می‌کند. در گزارش سال ۲۰۱۴، کمیسیون انتخابات ریاست جمهوری در اجرای انتخابات متذکر شد که یکی از ویژگی‌های متمایز سیستم انتخابات آمریکا، انتخاب مسئولین اجرای انتخابات از طریق فرآیند حزبی می‌باشد. توصیه شده است که آژانس‌های انتخاباتی کشور از کارمندان باتجربه و بیطرف استفاده کنند تا اعتماد مردم نسبت به فرآیند

<sup>1</sup> Hyperfederalism

<sup>2</sup> Los Angeles Times

<sup>3</sup> Electoral Integrity Project

<sup>4</sup> Mexico

<sup>5</sup> Czech Republic

<sup>6</sup> Japan

<sup>7</sup> Sierra Leone

<sup>8</sup> Pippa Norris

رای گیری تقویت شود. عدم موفقیت ایالات متحده در انجام این کار، قوه قضائیه فدرال را با وظیفه غیرقابل اجتناب برای تصمیم گیری در مورد اجرای انتخابات مواجه کرده است. در نتیجه، دادگاهها بطور معمول با مناقشات حزبی فراوانی روبرو می شوند. در عصر قطبی شدن شدید سیاسی و ایدئولوژیکی حتی دیوان عالی کشور نیز هنگام تصمیم گیری در مورد اختلافات، جانبدارانه عمل می کند (Akhil, 2012: 61).

انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ که در مورد نتایج انتخابات در فلوریدا به اختلاف کشیده شد، یک مصداق در این زمینه است. ماهیت مبهم و متناقض قانون انتخابات فلوریدا باعث گردید که پنج قاضی جمهوری خواه به نفع جورج بوش و چهار قاضی دموکرات به نفع آل گور<sup>۱</sup> رأی دهند، این اتفاق منجر به جنجال های فراوانی شد. فارغ از منصفانه یا غیرمنصفانه بودن چنین رویدادی، اینگونه احکام سبب شد که بسیاری از ناظرین، تصمیمات دادگاه عالی را مبتنی بر نظر احزاب و نه قانون بدانند. در غیاب یک دادگاه بیطرف که بطور رسمی وظیفه حل اختلافات انتخابات را برعهده داشته باشد، بدبینی و تلخی نسبت به این حکم غیرقابل اجتناب است (Ibid, 63).

#### ۱-۴- فقدان امنیت و انعطاف پذیری

از همه نگران کننده تر این است که سیستم انتخابات ریاست جمهوری آمریکا فاقد آن است که هنگام بحران-<sup>۱۹</sup> های ملی، امنیت و مقاومت کافی را ایجاد نماید. تهدیدات احتمالی که ممکن است در طول انتخابات ریاست جمهوری و یا حین آن رخ دهند، بسیار واقعی و خطرناک می باشند. تروریسم آشکارترین تهدید است، تهدیدی که قبلا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را مختل کرده است. یکی از این حملات تروریستی، حادثه ۱۱ سپتامبر می باشد که در سال ۲۰۰۱ و در روز انتخابات اولیه ریاست جمهوری در نیویورک اتفاق افتاد. در نتیجه هرج و مرج ناشی از این حمله تروریستی، فرماندار جورج پاتاکی<sup>۲</sup> انتخابات را به تعویق انداخت. بسیار محتمل بود که تروریست ها محل های رای گیری را هدف قرار دهند تا در انتخابات ریاست جمهوری آینده، اختلال ایجاد نمایند. تروریسم تنها وسیله اختلال در انتخابات نیست. حملات هک های روسی در انتخابات سال ۲۰۱۶ نشان داد که حملات سایبری نیز یکی دیگر از تهدیدها برای انتخابات ریاست جمهوری می باشند (Ibid, 69).

<sup>1</sup> Al Gore

<sup>2</sup> George Pataki

بلایای طبیعی ممکن است بزرگترین تهدید برای همه باشد. همانطور که جری گلدفدر<sup>۱</sup> هشدار داده است، طوفان در حین انتخابات ریاست جمهوری می‌تواند مانع رأی دادن میلیون‌ها آمریکایی شود. تاریخ این خطر را تأیید می‌کند. طوفان اندرو<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۲ و طوفان کاترینا<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۵ منجر به تعویق افتادن انتخابات اولیه در فلوریدا و لوئیزیانا<sup>۴</sup> شد. طوفان‌های مشابه ممکن است در هر نقطه از امتداد ساحل خلیجی و ساحل شرقی در روز انتخابات ریاست جمهوری رخ دهند زیرا فصل طوفان‌ها تا اواخر نوامبر ادامه دارد. در سال ۲۰۱۲، طوفان سندی در اواخر اکتبر اتفاق افتاد و پانزده ایالت را تحت تأثیر قرار داد. سایر بلایای طبیعی مانند زلزله در ساحل غربی یا شیوع گردباد در منطقه شهرهای بزرگ غربی و جنوبی می‌تواند تأثیر مشابهی داشته باشد. تغییرات آب و هوایی قطعاً می‌تواند خطر را افزایش دهد.

با وجود حقیقت رخداد این حوادث، کنگره و بیشتر ایالت‌ها در برنامه‌ریزی اضطراری و منظم برای رویدادهای مختل‌کننده ناشی از حوادث غیرمترقبه موفق نبوده‌اند. عدم برنامه‌ریزی کافی، توانایی مقامات انتخاباتی برای پاسخگویی موثر به بحران‌هایی که حین و یا چند روز قبل از انتخابات رخ می‌دهد را تضعیف کرده است. مطالعه سال ۲۰۱۳ در مورد تأثیر طوفان سندی نشان داد که عدم آمادگی اضطراری برای مواجهه با این رویداد منجر به اختلال در انتخابات محلی و ایالتی در نیویورک و نیوجرسی شد. این مطالعه نشانگر فقدان برنامه‌های احتمالی همراه با جزئیات جهت حفظ فرآیند انتخابات در موارد اضطراری بود (Anthony, Ibid: 73). در واکنش به این امر، برخی ایالات مقررات جدیدی را در مورد انتخابات اضطراری در حین حملات تروریستی یا حوادث طبیعی، تصویب کرده‌اند. برای مثال، کالیفرنیا به فرماندار ایالت اجازه می‌دهد که انتخابات را در صورت وقوع یک فاجعه بزرگ لغو کند و زمان بعدی آن را مشخص نماید. با این حال، مانند سایر بخش‌های سیستم انتخابات ریاست جمهوری، قوانین ایالتی مرتبط با روند انتخابات اضطراری، یکپارچه نمی‌باشند. یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۴ توسط انجمن ملی دبیران ایالتی به این نتیجه رسید که فقط ۱۲ ایالت در صورت اضطرار دارای قانون تعویق و تنظیم مجدد زمان انتخابات می‌باشند. متأسفانه، کنگره نتوانسته است سیاست‌های استاندارد و یکنواختی را برای رسیدگی به شرایط اضطراری در انتخابات ریاست جمهوری ایجاد نماید. همچنین، کنگره طرح جامعی برای محافظت از مکان‌های رأی‌گیری در برابر حملات تروریستی یا هک‌های الکترونیکی ارائه نکرده است. نتیجه این است که یک ملت در برابر یک بحران بزرگ در حین انتخابات ریاست جمهوری، تجهیز نشده است.

<sup>1</sup> Jerry Goldfeder

<sup>2</sup> Andrew

<sup>3</sup> Katrina

<sup>4</sup> Louisiana

## ۲- بهبود سیستم ناکارآمد

کنگره باید مسئولیت مدرن‌سازی سیستم انتخابات ریاست جمهوری را برعهده بگیرد. باتوجه به ماهیت غیرمتمرکز اصلاحات قانون انتخابات ایالتی و نیاز مبرم به قوانین یکنواخت در اجرای انتخابات ریاست جمهوری، کنگره تنها نهاد دولتی است که می‌تواند اصلاحات جامعی را انجام دهد. زمان اقدام کنگره فرا رسیده است.

### ۲-۱- موانع قانون اساسی برای اصلاحات

قانون اساسی، انجام اصلاحات در سیستم انتخابات ریاست جمهوری را برای اعضای کنگره دشوار می‌سازد. سند مؤسس کشور نقش نسبتاً کمی را برای دولت فدرال در امور انتخابات ریاست جمهوری قائل شده است. کنگره بایستی از تبعیض نژادی، جنسیتی و سنی جلوگیری کند و از حقوق حمایتی برابر در مقابل نقض حقوق ایالتی استفاده نماید. همچنین کنگره ممکن است روز برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و رأی‌گیری را تعیین کند. علاوه بر این، دیوان عالی اعلام کرده که کنگره ممکن است مبلغ کمک‌های مالی انتخاباتی را برای جلوگیری از فساد مالی تعیین نماید. در حوزه‌های دیگر، مقامات ایالتی و محلی در انتخابات ریاست جمهوری نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

۲۱

اما تاریخ نشان می‌دهد که اصلاحات گسترده در سیستم انتخابات آمریکا هنوز امکان‌پذیر است. صد سال پیش، ایالات متحده تغییرات عمده‌ای را در انتخابات اعمال کرد، از جمله تصویب انتخابات مقدماتی، فراهم کردن امکان انتخاب مستقیم سناتورها و ایجاد حق رأی برای زنان. انتقادات علیه انتخابات سال ۲۰۱۶ نشان دهنده این است که سیاست‌های آمریکا آماده دوره جدیدی از اصلاحات سیستمی شده است.

### ۲-۲- پنج پیشنهاد اصلاح

تغییرات بالقوه بسیاری وجود دارد که می‌تواند برای سیستم انتخابات ریاست جمهوری اعمال شود، اما پنج مورد آن کاملاً ضروری و مهم هستند.

#### ۲-۲-۱- محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی بیشتر

در یک سیستم انتخاباتی که توسط کمپین‌های خصوصی تأمین می‌شود و محدودیت هزینه ندارد، منطقی نیست که نامزدهای ریاست جمهوری را مستلزم جمع‌آوری مبلغ ۲۷۰۰ دلار کنیم؛ کاری که کاندیداهای مجلس نمایندگان انجام می‌دهند. یک سقف بالاتر برای محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی مانند ۵۰ هزار

دلار در هر انتخابات با در نظر گرفتن تورم، رویکردی است که برای یک کشور ۳۲۰ میلیون نفری معقول‌تر می‌باشد. هرچه باشد، نامزدهای ریاست جمهوری تنها برای یک منصب ایالتی و یا یک منصب کنگره محلی رقابت نمی‌کنند. آنها در حال رقابت برای رهبری ایالات متحده، گران‌ترین بازار رسانه‌ای جهان هستند. بر این اساس، نامزدها باید مجاز به جمع‌آوری وجوه متناسب با هزینه کمپین‌های انتخاباتی ریاست جمهوری شوند.

همچنین افزایش مبلغ محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی موجب می‌شود که کمیته‌های فعالیت‌های سیاسی جایگزین کمپین‌های کاندیداها در انتخابات ریاست جمهوری نشوند. دانشمندانی همچون ری‌موند لاراچا<sup>۱</sup> و ناتانیل پرسیلی استدلال کرده‌اند که قدرت جمع‌آوری کمک‌های مالی توسط گروه‌های پنهان و غیرمسئول خارجی موجب می‌شود تا کمپین‌ها و احزاب سیاسی به حاشیه سیستم انتخاباتی ایالات متحده رانده شوند. محدودیت مشارکت ۵۰ هزار دلاری می‌تواند از طریق افزایش قدرت کمپین‌های انتخاباتی برای جمع‌آوری سریع وجوه، قدرت جمع‌آوری سرمایه توسط کمیته‌های فعالیت‌های سیاسی را کاهش دهد (George, 2004: 51).

خطر فساد ناشی از مشارکت‌های گسترده در کمپین‌های انتخابات ریاست جمهوری به مراتب کمتر از کمک‌های مالی به کمپین‌های انتخاباتی مجلس نمایندگان و سنا می‌باشد. رئیس‌جمهور پس از انتخاب شدن، دسترسی بی‌نظیری به رسانه‌های آزاد دارد و این امر موجب می‌شود او نسبت به سایر مقامات فدرال وابستگی کمتری به ادامه حمایت‌های مالی داشته باشد. علاوه بر این، کمک مالی ۵۰ هزار دلاری سهم ناچیزی در زمینه مبارزات انتخاباتی میلیارد دلاری ریاست جمهوری دارد. نظارت ویژه‌ای که بر کمک‌های مالی کمپین‌های انتخاباتی می‌شود موجب ایجاد امنیت بیشتری شده است. کمیسیون انتخابات فدرال بطور علنی کمک‌های مالی به نامزدهای فدرال و کمپین‌های ریاست جمهوری را اعلام می‌کند که باعث منفعت عمومی و پوشش رسانه‌ای گسترده می‌گردد. در مقابل، قانون فدرال اجازه اجرای بخش 4(c)501 مبنی بر عدم افشای مخارج سیاسی مستقل گروه‌های حمایت عمومی را می‌دهد. چنین کاری اهدا کنندگان را به کمک مالی در انتخابات ریاست جمهوری تشویق می‌کند و بنابراین شفافیت روند تأمین مالی کمپین‌های انتخاباتی را افزایش می‌دهد. در غیر این صورت، وجوهی را که طبق بخش 4(c)501 به گروه‌های پول سیاه<sup>۲</sup> رفته باشد را افزایش خواهد داد.

<sup>1</sup> Reymond La Raja

<sup>2</sup> Dark money



مطمئناً، افزایش محدودیت‌های مشارکت مالی مورد موافقت مردم قرار نمی‌گیرد. اما عدم مقبولیت عمومی با در نظر گرفتن این واقعیت که کنگره فقط محدودیت نامزدهای ریاست جمهوری را افزایش داده است، کمتر می‌شود. همچنین، به نظر می‌رسد که کنگره تمایل به افزایش محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی داشته است. در دسامبر سال ۲۰۱۴، کنگره بی‌سر و صدا محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی را برای کمیته‌های حزب ملی افزایش داد، شواهدی وجود دارد که رویکرد دو حزبی نسبت به افزایش محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی، از نظر سیاسی قابل دوام خواهد بود. اگرچه هزینه‌های گسترده کمپین‌های ریاست جمهوری واقعیت حیات سیاسی آمریکا برای بیش از نیم قرن می‌باشد اما محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی برای نامزدهای ریاست جمهوری نباید بسیار ناچیز باشد. کنگره بایستی واقعیت‌های چشم‌انداز مدرن جمع‌آوری پول را بپذیرد و محدودیت جمع‌آوری کمک‌های مالی برای کاندیداهای ریاست جمهوری را افزایش دهد (Martha, Ibid: 105).

#### ۲-۲-۲- انتخابات مستقیم

اصلاحات نباید با افزایش محدودیت‌های جمع‌آوری کمک‌های مالی متوقف شوند. تغییرات ساختاری نیز ضروری هستند. به منظور مدرن کردن سیستم انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بایستی رأی مستقیم مردمی جایگزین الکتروال کالج گردد. ایده لغو الکتروال کالج، یک رویا نیست. این ایده در گذشته از حمایت‌های فراوانی برخوردار بوده است. در سال ۱۹۶۹ میلادی، ۳۳۸ نفر از مجلس نمایندگان ایالات متحده در مقابل مخالفت ده نفر به تصویب اصلاحیه قانون اساسی برای جایگزینی الکتروال کالج با انتخاب مستقیم رئیس جمهور رأی دادند. نظرسنجی‌های ملی نیز به سطح بالایی از حمایت برای جایگزینی الکتروال کالج با رأی مستقیم مردم رسیده است. نظرسنجی گالوپ در سال ۲۰۱۳ نشان داد که ۶۳ درصد از کل آمریکایی‌ها و ۶۹ درصد از آمریکایی‌های زیر سی سال، از اصلاح قانون اساسی برای انتخاب مستقیم رئیس جمهور حمایت می‌کنند. در نهایت، دو راه برای انجام این کار وجود دارد. اولین مورد از طریق اصلاح قانون اساسی می‌باشد که بهترین راه حل بلندمدت را ارائه می‌دهد. یک اصلاحیه قانون اساسی برای یک انتخابات مستقیم، ساده خواهد بود و برای رأی دهندگان پیش‌نویس و توضیح داده خواهد شد. بسیاری از حامیان انتخابات مستقیم، سیستمی را ایجاد کرده‌اند که اگر رئیس جمهور حداقل ۴۰ درصد از آرای عمومی را در حوزه‌های مختلف کسب نکند، انتخابات باید مجدداً برگزار شود. با این حال، شایان ذکر است که طبق تجربه ایالات متحده در انتخابات فرمانداری، حداقل تعداد آراء برای انتخاب رئیس جمهور ضروری نیست. در هر صورت، فارغ از اجرا و یا عدم

اجرای انتخابات مجدد، انتخابات مستقیم جهت انتخاب رئیس جمهور نسبت به الکتروال کالج بسیار دمو-کراتیک‌تر می‌باشد (Ibid, 105).

واقعیت این است که اصلاحات قانون اساسی به یکباره اتفاق نمی‌افتد. با این حال، پیمان آرای ملی گزینه بالقوه و مناسبی برای کوتاه‌مدت است. براساس این پیمان، تمام ایالات توافق کرده‌اند که رأی الکتروال خود را به نامزدی که بیشترین رأی مردمی را آورده است تقدیم کنند. این پیمان زمانی اجرایی می‌شود که ایالات دارای ۲۷۰ رأی الکتروال باشند که حداقل میزان رأی الکتروال برای انتخاب رئیس جمهور می‌باشد. اما هرکدام که اول پیش بیاید، یا اصلاحیه قانون اساسی یا پیمان آرای ملی، هرگونه حرکتی به سمت رأی مستقیم مردمی برای انتخاب رئیس جمهور بایستی با اصلاحیه جامع اجرای انتخابات ایالات متحده همسو باشد (Anthony, Ibid: 30).

#### ۲-۲-۳- مدیریت یکپارچه انتخابات

مدافعان الکتروال کالج به دو نکته مهم اشاره می‌کنند. اولین مورد این است که سیستم مدیریت انتخابات آمریکا نمی‌تواند در صورت آرای نزدیک در انتخابات تصمیم درستی اتخاذ نماید. دومین مورد این است که لغو الکتروال کالج موجب دستکاری معیارهای رأی‌گیری در ایالات برای تغییر نتایج انتخابات می‌شود. این هشدارها بایستی توسط حامیان لغو الکتروال کالج جدی گرفته شود. رأی مستقیم مردمی زمانی در مسیر درست قرار می‌گیرد که تمام ۵۰ ایالت آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری دارای یک قانون رأی‌گیری یکپارچه باشند به خصوص در حوزه‌های ثبت نام رأی‌دهندگان، معیارهای رأی‌گیری، مراحل اولیه رأی‌گیری و فناوری دستگاه‌های رأی‌گیری. واضح است که ایجاد یک سیستم رأی‌گیری یکپارچه در کل کشور بدون مجادله امکانپذیر نمی‌باشد. منافع بوروکراتیک محلی و ایالتی در برابر اصلاح سیستم رأی‌گیری مقاومت خواهند کرد. در سال ۲۰۱۴، کمیسیون اجرای انتخابات ریاست جمهوری خاطر نشان کرد که از زمان شروع این اصلاحات، مجریان انتخاباتی مختلفی در سطح ایالتی و محلی اظهار کرده‌اند که این شیوه برای همه مناسب نیست. اما همانطور که کمیسیون در گزارش نهایی خود تأکید کرد، بیشتر حوزه‌های قضایی که انتخابات را اداره می‌کنند با چالش‌های یکسانی مواجه هستند و این حوزه‌های قضایی می‌توانند در حل مشکلات مشترک به یکدیگر کمک کنند. بر این اساس، کمیسیون دو حزب پیشنهاد اصلاحات گسترده و یکپارچه در مواردی همچون ثبت نام آنلاین رأی‌دهندگان در سراسر کشور، بهبود مدیریت محل‌های رأی‌گیری، افزایش تعداد روزهای رأی‌گیری، افزایش امنیت رأی‌گیری الکترونیکی و نوسازی دستگاه‌های رأی‌گیری را داده است.

قانون اساسی ایالات متحده صریحاً به کنگره این اختیار را نمی‌دهد که ایالات را مجبور به ایجاد معیارهای یکپارچه در انتخابات ریاست جمهوری نماید. اگرچه بند مربوط به انتخابات در قانون اساسی، به کنگره اختیارات گسترده‌ای را در انتخابات اعطا کرده است. در نتیجه، با درخواست ایجاد معیارهای یکپارچه در انتخابات کنگره، کنگره می‌تواند بطور غیرمستقیم به نتیجه مشابهی برای انتخابات ریاست جمهوری دست یابد. علاوه بر این، کنگره قدرت نفوذ زیادی در ایالات دارد. هزینه‌های انتخابات ایالتی بالا و در حال افزایش است. ممکن است در عصر بودجه‌های محدود، ایالت‌ها نتوانند به اقدامات محلی که دولت فدرال به آنها پیشنهاد داده است عمل کنند. در واقع، از طریق استفاده استراتژیک از کمک‌های مالی، کنگره به جای اینکه این مسئولیت را برعهده مقامات محلی بگذارد، ایالات را به ایجاد معیارهای یکپارچه در اجرای انتخابات ریاست جمهوری ترغیب می‌کند. ایالت‌ها همچنان برای استفاده از قانون مخصوص خود برای ثبت نام و رأی‌گیری در انتخابات ایالتی و محلی خویش آزاد هستند (Ibid, 73).

استفاده از مشوق‌های مالی فدرال برای ترویج قوانین یکنواخت ایالتی دارای پیشینه تاریخی می‌باشد. بعنوان مثال، تهدید به عدم پرداخت کمک‌های مالی دولت فدرال تأثیر بسیاری در رسیدن به سن قانونی بیست و یک سال جهت مصرف مشروبات الکلی در کل کشور داشت. در پرونده داکوتای جنوبی علیه دول<sup>۱</sup> دیوان عالی کشور اظهار داشت که بند هزینه‌ها در قانون اساسی، کنگره را مجاز به استفاده از مشوق‌های مالی برای ایجاد استانداردهای ملی کرده است. البته محدودیت‌هایی نیز برای قدرت هزینه کردن وجود دارد. همانطور که دیوان عالی کشور در سال ۲۰۱۲ اظهار کرد، قانون مراقبت مقرون به صرفه، در پرونده فدراسیون ملی مشاغل مستقل در مقابل سبلیوس<sup>۲</sup> کنگره ممکن است نتواند ایالات را تهدید به عدم پرداخت وجوه مالی که به آنها وابسته می‌باشند، نماید. اما در زمینه قوانین رأی‌گیری یکپارچه، استفاده از مشوق‌های مالی نباید اجباری باشد. در عوض، کمک‌های مالی فدرال به صورت کاملاً داوطلبانه ارائه خواهند شد. بنابراین، قدرت مالی ابزار قدرتمندی را به کنگره می‌دهد تا با استفاده از آن معیارهای یکپارچه‌ای را در انتخابات ریاست جمهوری ایجاد نماید.

<sup>1</sup> South Dakota v. Dole

<sup>2</sup> National Federation of Independent Businesses v. Sebelius

اما تا زمانی که کشور مباحث مربوط به قوانین شناسه رأی دهندگان را حل نکند، ایجاد سیستم رأی‌گیری یکپارچه امکانپذیر نخواهد بود. ایالات تحت کنترل جمهوری خواهان مانند کانزاس<sup>۱</sup>، جورجیا<sup>۲</sup> و میسیسیپی<sup>۳</sup> قوانین سختگیرانه‌ای را در شناسه تصویری رأی دهندگان ایجاد کرده‌اند ولی ایالات تحت کنترل دموکرات‌ها همچون نیویورک، مینه سوتا<sup>۴</sup> و کالیفرنیا سیاست‌های ضعیفی در مورد شناسه رأی دهندگان دارند. تنوع در قوانین ایالتی طی رأی‌گیری مردمی در انتخابات ریاست جمهوری سراسر کشور بسیار خطرناک خواهد بود. همانطور که در یک مولر<sup>۵</sup> هشدار داد، در یک انتخابات مستقیم، ایالت‌ها می‌توانند قوانین رأی‌گیری خود را دستکاری کنند و باعث ایجاد منفعت برای یک حزب در انتخابات ریاست جمهوری شوند (Frank, 1992: 54).

بر این اساس، هرگونه حرکتی برای ایجاد انتخابات مستقیم باید مشروط به استانداردهای رأی‌گیری در سراسر کشور باشد که قوانین سختگیرانه شناسه رأی دهنده را رد می‌کنند. استدلال مبتنی بر اینکه که لازمه شناسه هویتی عکس به میزان قابل توجهی از تقلب جلوگیری می‌کند دیگر قابل قبول نیست. در جامع‌ترین مطالعه‌ای که در مورد تقلب فردی رأی دهندگان انجام شده است، جاستین لویت<sup>۶</sup> به این نتیجه رسید که از سال ۲۰۰۰ در سراسر کشور از میان یک میلیارد رأی تنها سی و یک مورد موثق بدست آمده است.

۲۶ شواهد بطور فزاینده‌ای نشان می‌دهد که انگیزه قوانین سختگیرانه در مورد شناسه رأی دهندگان توسط قانونگذاران جمهوری خواه در جهت ایجاد سیستم یکپارچه انتخاباتی نمی‌باشد بلکه بیشتر با هدف غیرقابل انکار و غیرقانونی محرومیت حوزه‌های انتخاباتی اقلیت‌های حزب دموکرات از رأی دادن می‌باشد. در واقع، یک قاضی فدرال در ویسکانسین<sup>۷</sup> در پرونده ژوئیه سال ۲۰۱۶ دقیقاً به این نتیجه رسید و اظهار کرد که هدف قانونگذاران جمهوری خواه سرکوب رأی دموکراتیک آفریقایی-آمریکایی‌های میلوآکی<sup>۸</sup> بوده است. بر این اساس، روند قضایی به شدت علیه قوانین سختگیرانه شناسه رأی دهنده پیش می‌رود. در تابستان سال ۲۰۱۶، قوانین محدود کننده ثبت نام رأی دهندگان در حوزه‌های چهارم و پنجم دادگاه استیناف رد شد و

<sup>1</sup> Kansas

<sup>2</sup> Georgia

<sup>3</sup> Mississippi

<sup>4</sup> Minnesota

<sup>5</sup> Derek Muller

<sup>6</sup> Justin Levitt

<sup>7</sup> Wisconsin

<sup>8</sup> Milwaukee

همچنین این قانون در دادگاه‌های محلی داکوتای شمالی<sup>۱</sup>، کانزاس و ویسکانسین نیز لغو یا مسدود شد. اگرچه دیوان عالی کشور شرط شناسه هویتی عکس را در پرونده کرافورد علیه هیأت انتخابات شهرستان ماریون<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۸ قانونی کرد، کارکرد طولانی مدت این قانون با وجود روشن شدن انگیزه‌های تبعیض نژادی آن بسیار پرسش‌برانگیز است. لغو قانون کرافورد بایستی مورد استقبال حامیان انتخابات مستقیم ریاست جمهوری قرار بگیرد، چراکه راه استانداردسازی فرآیند رأی‌گیری در سراسر کشور را مشخص می‌نماید. در پایان، فرقی ندارد که قوانین انتخاباتی تبعیض نژادی از طریق دادگاه‌ها یا قانونگذاران انجام بگیرد، تصویب قوانین رأی‌گیری معقول و غیرحزبی قبل از اجرای موثر رأی عموم مردم کشور بسیار اهمیت دارد (Martha, Ibid: 105).

#### ۲-۴- دیوان شمارش بیطرف آراء

حتی با وجود قوانین یکپارچه در سطح کشور، آرای نزدیک در انتخابات ریاست جمهوری هنوز هم موجب اختلافات حزبی بر سر نتیجه می‌شود. همانطور که ادوارد فولی<sup>۳</sup> هشدار داده است، تاریخ انتخابات آمریکا روشن می‌کند که علیرغم تمام تلاش‌های دولت برای جلوگیری از اختلافات، به ناچار هنگام شمارش آرا در انتخابات اختلاف ایجاد خواهد شد. برای حل این مشکل، فولی پیشنهاد ایجاد یک دیوان شمارش انتخاباتی را داده است. طبق پیشنهاد فولی، هر چهار سال یک بار پیش از انتخابات ریاست جمهوری، دیوان عالی مسئول انتصاب یک دادگاه سه نفره با صلاحیت رسیدگی به اختلافات مربوط به آرای انتخاباتی می‌باشد. کنگره می‌تواند طبق اصلاحیه دوازدهم، با دریافت آرای اکثرال ایالات، این دادگاه را ایجاد کند. علاوه بر این، فولی توصیه می‌کند که انتخابات اکثرال کالج را دو هفته به تعویق بباندازد تا ایالات زمان بیشتری برای شمارش کامل آرا داشته باشند. حتی بدون وجود یک سیستم انتخاباتی مستقیم، عاقلانه خواهد بود که کنگره پیشنهادهای فولی را بپذیرد. اما اگر ایالات متحده رأی عموم مردم را جایگزین اکثرال کالج کند، اعمال پیشنهادات فولی از اهمیت بسیاری برخوردار است. در انتخاباتی که آرا به یکدیگر نزدیک هستند و هر رأی می‌تواند در نتیجه انتخابات تعیین کننده باشد، وجود یک نهاد بیطرف که مشکلات مربوط به شمارش مجدد آرا را حل نماید بسیار ضروری است. بدون وجود این نهاد، در ۵۰ ایالت آمریکا اختلافات زیادی بر سر شمارش مجدد آرا به وقوع می‌پیوندد و نتیجه‌ای بسیار آشفته‌تر از آنچه این ملت در دوره بازشماری جنجالی فلوریدا در سال ۲۰۰۰ تجربه کرد، در پی خواهد داشت.

<sup>1</sup> North Dakota

<sup>2</sup> Crawford v. Marion County Election Board

<sup>3</sup> Edward Foley

به همین ترتیب، زمانی که کل آرای مردمی و نه آرای الکترونیکی قرار است تعیین کننده پیروز انتخابات ریاست جمهوری باشد، زمان بیشتری برای شمارش مجدد آرا نیاز می‌باشد. دیوان عالی، بازشماری آرا در فلوریدا در سال ۲۰۰۰ را متوقف کرد، چراکه زمان کافی برای اتمام آن قبل از محدوده زمانی ۱۲ دسامبر و جلسه الکترونیکی کالج در ۱۸ دسامبر را نداشت. یکی از درس‌هایی که انتخابات بوش علیه گور به ما می‌دهد این است که بایستی به مقامات انتخاباتی برای تکمیل شمارش مجدد آرا، زمان کافی داده شود. همانطور که فولی اظهار می‌کند، دو هفته زمان بیشتر در دوره انتقال، تضمین می‌نماید نامزدی که در ۲۰ ژانویه تحلیف می‌شود همان نامزدی است که مردم انتخاب کرده‌اند. زمانی که رأی عموم مردم در انتخابات تعیین کننده باشد، این زمان اضافی بسیار مهم است. بنابراین، افزایش مهلت ایالات برای اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری بایستی یکی از مولفه‌های ایجاد انتخابات مستقیم ریاست جمهوری باشد.

#### ۲-۲-۵- برنامه‌ریزی یکپارچه فدرال

در نهایت، پیش از هر انتخابات ریاست جمهوری، کنگره باید کمیته‌های انتخاباتی فدرال و وزارت امنیت داخلی را برای تشکیل کارگروه مشترک برای تأمین امنیت و انعطاف‌پذیری انتخابات آماده نماید. کارگروه مشترک در انتخابات ریاست جمهوری مسئول برنامه‌ریزی اضطراری برای حوادث ملی و هماهنگی آماده‌سازی انتخابات با مقامات ایالتی می‌باشد. همچنین، این گروه به مقامات انتخاباتی ایالتی که پیش از انتخابات ریاست جمهوری به دنبال اطلاعات و کمک هستند، خدمت می‌کند (Ibid, 105).

اولویت اصلی این کارگروه مشترک در انتخابات ریاست جمهوری، بهبود امنیت فیزیکی و الکترونیکی مراکز رأی‌گیری می‌باشد. برای احقاق این هدف، کنگره بایستی بودجه فدرال را برای تأمین امنیت محل‌های رأی‌گیری، فراهم نماید. همچنین، کمک‌های مالی فدرال برای محافظت از دستگاه‌های رأی‌گیری کشور در برابر حملات سایبری دارای اهمیت فراوانی است. همانگونه که هک کمیته ملی دموکرات‌ها توسط روس‌ها در سال ۲۰۱۶ نشان داد، سیستم‌های کامپیوتری مرتبط با رأی‌گیری یک هدف وسوسه‌انگیز برای مخالفان خارجی می‌باشند، به خصوص در حوزه‌های قضایی که فقط از رأی‌گیری الکترونیکی استفاده می‌کنند. بنابراین، کنگره باید با استفاده از بودجه فدرال، ایالت‌ها را تشویق به استفاده از دستگاه‌های رأی‌گیری نماید که چاپ کاغذی دارند. همچنین، کنگره بایستی قانون کپی‌رایت هزاره دیجیتال را اصلاح کند تا مسئولیت امنیت دستگاه‌های رأی‌گیری برعهده کارشناسان خارجی نباشد.

علاوه بر این، عاقلانه است که کنگره از توصیه‌های جری گلدفرد پیروی نماید و دستورالعمل‌های چگونگی ادامه انتخابات ریاست جمهوری در هنگام رویدادهای اضطراری را به ایالت‌ها اعلام کند. بطور موقت، تمام

ایالات، هماهنگی برنامه‌های اضطراری از طریق تأسیس انجمن ملی دبیران کارگروه ایالتی در مورد آمادگی اضطراری برای انتخابات را شروع کرده‌اند. اما نقش کنگره در برنامه‌ریزی اضطراری ضروری است. همانطور که گلدفدر توصیه می‌کند، کنگره بایستی با ایجاد یک واکنش ملی به یک وضعیت اضطراری ملی این ابتکار عمل را انجام دهد نه اینکه مدیریت این بحران قانون اساسی را برعهده ایالات مختلف بگذارد (Ibid, 105).

### نتیجه‌گیری

اگر هر کدام از ایالات شیوه‌ای نامنظم با بوده مالی پایین را برای انتخابات مقامات ایالتی و محلی خود ترجیح دهند، آزادند که با سیستم‌های فعلی خود کار کنند و اگر اعضای کنگره تصمیم بگیرند که محدودیت جمع-آوری کمک‌های مالی برای نامزدهای مجلس نمایندگان و سنا را پایین نگه دارند، در محدوده قانونی خویش عمل کرده‌اند.

اما ریاست جمهوری متفاوت است. همانطور که وودرو ویلسون<sup>۱</sup> بیش از یک قرن پیش مشاهده کرده بود، رئیس جمهور تنها مقامی است که تمام ملت به او رأی داده‌اند، هیچ مقام دیگری نماینده انتخاب ملی یک کشور نمی‌باشد. مشاهدات ویلسون در زمان فعلی نیز صادق است. بعنوان رهبر یک ابرقدرت متنوع جهانی،<sup>۲۹</sup> رئیس جمهور بطور کلی نماینده تمام مردم ایالات متحده است و نه یک منطقه و یک ایالت خاص. بر این اساس، زمان آن رسیده است تا ایالات متحده از یک سیستم انتخابات ریاست جمهوری که شایسته دفتر ریاست جمهوری باشد، برخوردار شود.

هدف این پژوهش، استناد به نظریه‌ها و یافته‌های مختلف است تا نشان دهد که نظام انتخاباتی ایالات متحده آمریکا در برخی مواضع مانند سیستم الکترونیکی کالج دارای نواقصی می‌باشد که نقشی تعیین کننده بر اصول دموکراتیک بودن انتخابات این کشور خواهد داشت، اما می‌توان با الگوبرداری از اندیشه‌های ترقی خواهانه حقوقدانان و سیاستمداران آمریکایی، سازوکارهایی مبتنی بر دموکراسی مدرن را جهت زدودن موانع و اصلاح ساختار انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ارائه نمود.

<sup>۱</sup> Woodrow Wilson

## فهرست منابع

- 1- Akhil, Reed (2006). America's Constitution: A Biography, 157–59.
- 2- Akhil, Reed (2012). America's Unwritten Constitution: the Precedents and Principles we Live by.
- 3- Alexander, Keyssar (2000). the Right to Vote: the Contested History of Democracy in the United States 3–4.
- 4- Alec, Ewald (2009). the Way we Vote: the Local Dimension of American Suffrage 3–8.
- 5- Anthony, Corrado (2005). Money and Politics: A History of Federal Campaign Finance Law, in the New Campaign Finance Sourcebook 7, 41 (Anthony Corrado et al.
- 6- Anthony, Corrado (2011). Financing the 2008 Presidential General Election, in Financing the 2008 Election 127.
- 7- Frank, Sorauf (1992). Rauf, Inside Campaign Finance: Myths and Realities 188.
- 8- George, Edwards (2004). Why the Electoral College is bad for America 57–73.
- 9- Judith, Best (1971). The Case Against Direct Election of The President: A Defense of the Electoral College.
- 10- Martha, Krope (2012). Helping America Vote: the Limits of Election Reform.
- 11- Peter, Wallison (2009). Better Parties, Better Government: A realistic Program for Campaign Finance Reform.
- 12- Richard, Hasen (2016). Plutocrats United: Campaigning Money, the Supreme Court, and the Distortion of American Elections.
- 13- Robert, Mutch (2014). Buying the Vote: A History of Campaign Finance Reform.
- 14- Sam, Garrett (2014). Cong Research Serv, Public Financing of Presidential Campaigns: Overview and Analysis.
- 15- Tara, Ross (2004). Enlightened Democracy: the Case for the Electoral College.
- 16- Woodrow, Wilson (1908). Constitutional Government in the United States.